

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

چشم‌انتظاری امام‌زمان در زیارت‌عاشورا

نگارنده:

حجت‌الاسلام ربانی

چکیده:

آنچه در این مقاله به آن پرداخته شده، بررسی دو فراز از زیارت‌شریف‌عاشورا است که نام مبارک امام‌عصر در آن برده شده است؛ همچنین در مورد منتقم‌بودن حضرت و القابی که در این زیارت به حضرت نسبت داده شده است، مباحثی مطرح شده است.

مقدمه:

زیارت عاشورا از جمله زیارات مشهوری است که سیره علماء بر آن قائم بوده و از توجه بسیاری نزد بزرگان شیعه برخوردار است. منابع اولیه چون کامل الزیارات با سند قابل قبول این زیارت را نقل نموده و بزرگانی چون شیخ طوسی در «مصباح المتهدد» و ابن مشهدی در «المزار الکبیر» به این زیارت عنایت ویژه داشته‌اند.

لعن و اعلام برائت‌های این زیارت حساسیت عامه را در طول تاریخ برانگیخته است. برخی به همین دلیل منکر برخی از فرازهای زیارت شده‌اند. مرحوم مجلسی پدر جریانی را از شیخ طوسی نقل می‌کند که نشان از کیاست وزیرکی ایشان در برخورد با اهل سنت دارد. محمد تقی مجلسی می‌گوید: «مشهور است که چون شیخ طوسی در زیارت عاشورا ذکر کرده اللهم العن الاول و الثاني و الثالث علماء عامه اعتراض کردند که اینها کیستند شیخ حدیثی از طرق ایشان نقل کرد که مراد از اول قابیل است که وضع کرد کشتن را و دویم فرعون است و سیم هامان است و راضی شدند از او زیرا که ایشان در زمان خلفای بنی عباس بودند و همه کس می‌دانستند که ایشان شیعه‌اند اما سب نمی‌توانستند کردن»^۱

محور تعزیت گفتن و عزای امام حسین در روز عاشورا

در منابع زیارت قبل از متن زیارت روایتی از امام باقر علیه السلام نقل شده است که زیارت امام حسین را با دو هزار حج و دو هزار عمره و دو هزار غزوه که همه آنها همراه رسول خدا و ائمه معصومین علیهم السلام است، برابر می‌داند. سپس حضرت دستور العمل انجام زیارت از راه دور را بیان نموده و خودشان ضامن پاداش کسی که این اعمال را انجام دهد، می‌شوند.

راوی سوال می‌کند: چگونه به همدیگر در این روز تعزیت بگوئیم؟ حضرت در پاسخ فرمودند: «تَقُولُونَ أَكْبَرَهُ اللَّهُ أَجُورَتَا بِمُصَابِنَا بِالْحُسَيْنِ وَ جَعَلْنَا وَ إِيَّاكُمْ مِنَ الطَّالِبِينَ بِثَأْرِهِ مَعَ وَلِيِّهِ الْإِمَامِ الْمَهْدِيِّ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ»

ذکر نام امام مهدی بر زبان عزاداران عاشورا در ابراز همدردی با یکدیگر نشان از محوریت اعتقاد به قیام امام عصر در خونخواهی از خون خدا حتی در زمان امام باقر علیه السلام دارد.

^۱ . لوامع صاحبقرانی، ج ۶، ص: ۵۸۸

خونخواهی از خون خدا در همراهی با امام پیروز از اهل بیت

در اولین جا از این زیارت که نام حضرت مهدی برده شده، آمده است: «فَأَسْأَلُ اللَّهَ الَّذِي أُوَكَّرَمَ مَقَامَكَ أَنْ يُكْرِمَنِي بِكَ وَ يَرْزُقَنِي طَلَبَ ثَارِكَ مَعَ إِمَامٍ مَنْصُورٍ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ»^۲ تفاوت نقل کامل زیارات با نقل شیخ طوسی در این است که در نقل ابن قولویه دو درخواست وجود دارد: اول گرامی شدن به واسطه وجود مقدس امام حسین علیه السلام و دوم روزی شدن خونخواهی همراه با امام منصور اما در نقل شیخ درخواست فقط دومی است.

منتقم بودن امام عصر علیه السلام

منتقم از اسما خداوند است که عادل بودن پرودگار آن را اقتضا می کند. در روایات این اسم بر وجود مقدس حضرت مهدی علیه السلام نیز نهاده شده و با دوتعبیر از انتقام گیری حضرت نام برده شده است که عبارتند از:

(۱) انتقام گیرنده از دشمنان خدا

در جریان ملاقات احمد بن اسحاق قمی با امام عسکری علیه السلام و سواش از امام بعد از ایشان، حضرت بعد از بیان ضرورت وجود امام در هر زمانی و تبیین جایگاه امام در عالم هستی، شخص وجود مقدس حضرت مهدی علیه السلام را به او نشان داده و فرمودند: «يَا أَحْمَدَ بْنَ إِسْحَاقَ لَوْ لَا كَرَامَتِكَ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ عَلَى حُجَجِهِ مَا عَرَضْتُ عَلَيْكَ ابْنِي هَذَا إِنَّهُ سَمِي رَسُولِ اللَّهِ ص وَ كَنِيَّةُ الَّذِي يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا كَمَا مِلْتُ جَوْرًا وَ ظُلْمًا يَا أَحْمَدَ بْنَ إِسْحَاقَ مَثَلُهُ فِي هَذِهِ الْأُمَّةِ مَثَلُ الْخَضِرِ ع وَ مَثَلُهُ مَثَلُ ذِي الْقَرْنَيْنِ وَ اللَّهُ لَيَغِيْبَنَّ غَيْبَةً لَا يَنْجُو فِيهَا مِنَ الْهَلَكَةِ إِلَّا مَنْ تَبَّتَهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ عَلَى الْقَوْلِ بِإِمَامَتِهِ وَ وَقَّعَهُ فِيهَا لِلدُّعَاءِ بِتَعْجِيلِ فَرَجِهِ فَقَالَ أَحْمَدُ بْنُ إِسْحَاقَ فَقُلْتُ لَهُ يَا مَوْلَايَ فَهَلْ مِنْ عِلْمَةٍ يَطْمَئِنُّ إِلَيْهَا قَلْبِي»^۳ سپس امام عصر در سن سه سالگی با زبان عربی فصیح خودشان را این گونه معرفی نمودند: «أَنَا بَقِيَّةُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَ الْمُنتَقِمُ مِنْ أَعْدَائِهِ فَلَا تَطْلُبُ أَثْرًا بَعْدَ عَيْنٍ يَا أَحْمَدَ بْنَ إِسْحَاقَ»^۴

روایت دیگری گفتگوی خداوند متعال با پیامبر در معراج را نقل می کند که خداوند خطاب به ایشان می فرماید: «يَا مُحَمَّدُ إِنِّي خَلَقْتُكَ وَ خَلَقْتُ عَلِيًّا وَ فَاطِمَةَ وَ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ مِنْ شَبْحِ نُورٍ

^۲ کامل زیارات، النص، ص: ۱۷۷

^۳ کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص: ۳۸۴

^۴ کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص: ۳۸۴

مِنْ نُورِي وَ عَرَضْتُ وَلَايَتَكُمْ عَلَى أَهْلِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِينَ فَمَنْ قَبْلَهَا كَانَ عِنْدِي مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَ مَنْ جَحَدَهَا كَانَ عِنْدِي مِنَ الْكَافِرِينَ يَا مُحَمَّدُ لَوْ أَنَّ عَبْدًا مِنْ عِبَادِي عَبْدَنِي حَتَّى يَنْقَطِعَ وَ يَصِيرَ مِثْلَ الشَّنِّ الْبَالِي ثُمَّ أَتَانِي جَاحِدًا بِوَلَايَتِكُمْ مَا غَفَرْتُ لَهُ حَتَّى يُقِرَّ بِوَلَايَتِكُمْ يَا مُحَمَّدُ أَوْ تَحِبُّ أَنْ تَرَاهُمْ قُلْتُ نَعَمْ يَا رَبِّ فَقَالَ التَّفِتْ عَنْ يَمِينِ الْعَرْشِ فَالْتَفَتْتُ فَإِذَا أَنَا بِعَلِيٍّ وَ فَاطِمَةَ وَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ وَ عَلِيٍّ وَ مُحَمَّدٍ وَ جَعْفَرٍ وَ مُوسَى وَ عَلِيٍّ وَ مُحَمَّدٍ وَ عَلِيٍّ وَ الْحَسَنِ وَ الْمَهْدِيِّ فِي ضَخْضَاحٍ مِنْ نُورٍ قِيَامٌ يُصَلُّونَ وَ الْمَهْدِيُّ فِي وَسْطِهِمْ كَأَنَّهُ كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ هَؤُلَاءِ الْخَجَجُ وَ هَذَا الثَّائِرُ مِنْ عِثْرَتِكَ يَا مُحَمَّدُ وَ عِزَّتِي وَ جَلَالِي إِنَّهُ الْحُجَّةُ الْوَاجِبَةُ لِأَوْلِيَائِي وَ الْمُنْتَقِمُ مِنْ أَعْدَائِي»^٥

٢) انتقام گیرنده از ظالمین

در تفاسیر روایی ذیل آیات اول سوره مبارکه مائده روایتی نقل شده است که پیامبر گرامی می-فرماید: «معاشر الناس، إني نبي، و علي وصيي، ألا إن خاتم الأئمة منا القائم المهدي، ألا إنه الظاهر على الدين، ألا إنه المنتقم من الظالمين، ألا إنه فاتح الحصون و هادمها، ألا إنه فاتح كل قبيلة من الشرك، ألا إنه مدرک لكل ثار لأولياء الله عز و جل، ألا إنه الناصر لدين الله عز و جل»^٦

روایت دیگر از امام صادق در تاویل آیه (اضربْ علی ما یقولون) سوره ی مبارکه ص است:

«قَالَ مُحَمَّدُ بْنُ الْعَبَّاسِ رَحِمَهُ اللَّهُ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ الْقَاسِمِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ السِّيَّارِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدِ الْبَرْقِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَسْبَاطٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمَزَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع فِي قَوْلِهِ تَعَالَى اضْبُرْ عَلَى مَا يَقُولُونَ يَا مُحَمَّدُ مِنْ تَكْذِيبِهِمْ إِيَّاكَ فَإِنِّي مُنْتَقِمٌ مِنْهُمْ بِرَجُلٍ مِنْكَ وَ هُوَ قَائِمِي الَّذِي سَلَطْتُهُ عَلَى دِمَاءِ الظَّالِمَةِ.»^٧

از آنچه بیان شد برداشت می‌شود که دامنه خونخواهی و انتقام گیری حضرت فراتر از خونخواهی امام حسین علیه السلام است و مسئولیت سنگینی است که تمامی دشمنان خدا و ظالمان و مستکبران عالم از تیغ عدالت حضرت در امان نیستند.

بزرگترین ظلم، ظلمی است که در حق محمد و آل محمد روا داشتند چون دامنه این ظلم به سراسر عالم کشیده شده و تا به امروز ادامه دارد وان شاء الله با دست توانای حضرت مهدی پایان خواهد پذیرفت.

^٥ الغيبة (للطوسي) / كتاب الغيبة للحجة، النص، ص: ١٤٧

^٦ البرهان في تفسير القرآن، ج ٢، ص: ٢٣٦

^٧ تاویل الآيات الظاهرة في فضائل العترة الطاهرة، ص: ٤٩٢

نکته:

منتقم به صورت مطلق وبدون قیدی دیگر تنها بر خداوند اطلاق شده است همانند اینکه در ادعیه می خوانیم:

دعای مشلول: يَا نَاصِرُ يَا مُنْتَصِرُ يَا مُدْرِكُ يَا مُهْلِكُ يَا مُنْتَقِمُ، يَا بَاعِثُ يَا وَارِثُ يَا أَوَّلُ يَا آخِرُ يَا طَالِبُ

دعای مجیر: سُبْحَانَكَ يَا عَفُوُّ تَعَالَيْتَ يَا مُنْتَقِمُ أَجْرُنَا مِنَ النَّارِ بِعَفْوِكَ يَا مُجِيرُ،

اما اینکه در مورد حضرت مهدی علیه السلام بدون قید استعمال شده باشد را نیافتیم.

امام مهدی حق گو و خواستار حق اهل بیت

در فراز دیگری از زیارت عاشورا آمده است: «وَأَسْأَلُهُ أَنْ يُبَلِّغَنِي الْمَقَامَ الْمَحْمُودَ لَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ وَ أَنْ يَرْزُقَنِي طَلَبَ ثَارِكُمْ مَعَ إِمَامٍ مَهْدِيٍّ ظَاهِرٍ نَاطِقٍ مِنْكُمْ»^۸ در جمع بندی سه نقل از زیارت اوصافی برای امام زمان بیان شده است که عبارتند از امام مهدی وهدی، ظاهر و ناطق از اهل بیت (ناطق منکم) و ناطق به حق اهل بیت (ناطق بالحق منکم) وناطق برای اهل بیت (ناطق منکم) قبل از توضیح این اوصاف به توضیح مقام محمود و درخواست آن از جانب ما می پردازیم.

مقام محمود مقام والایی است که پیامبر گرامی اسلام به آن مقام نائل شدند. امیر المؤمنین در پاسخ به فردی که در آیات قرآن دچار شک و شبهه شده بود، این چنین می فرماید: « ثُمَّ يَجْتَمِعُونَ فِي مَوْطِنٍ آخَرَ يَكُونُ فِيهِ مَقَامٌ مُحَمَّدِيٍّ وَ هُوَ الْمَقَامُ الْمَحْمُودُ فَيُثْنِي عَلَى اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى بِمَا لَمْ يَثْنِ عَلَيْهِ أَحَدٌ قَبْلَهُ ثُمَّ يَثْنِي عَلَى الْمَلَائِكَةِ كُلِّهِمْ فَلَا يَبْقَى مَلَكٌ إِلَّا أَثْنَى عَلَيْهِ مُحَمَّدٌ ص ثُمَّ يَثْنِي عَلَى الرَّسْلِ بِمَا لَمْ يَثْنِ عَلَيْهِمْ أَحَدٌ قَبْلَهُ ثُمَّ يَثْنِي عَلَى كُلِّ مُؤْمِنٍ وَ مُؤْمِنَةٍ يَبْدَأُ بِالصَّادِقِينَ وَ الشُّهَدَاءِ ثُمَّ بِالصَّالِحِينَ فَيَحْمَدُهُ أَهْلُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ فَذَلِكَ قَوْلُهُ (عَسَى أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَاماً مَحْمُوداً) فَطُوبَى لِمَنْ كَانَ لَهُ فِي ذَلِكَ الْمَقَامِ حِظٌّ وَ وَبِلِّ لِمَنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ فِي ذَلِكَ الْمَقَامِ حِظٌّ وَ لَا نَصِيبٌ»^۹

حضرت علی علیه السلام نیز همنشین نبی خاتم صلی الله علیه وآله در این مقام است. مرحوم صدوق روایتی را از پیامبر گرامی اسلام نقل می کند که در آن ایشان خطاب به امیر المؤمنین می -

^۸. مصباح المتهجد و سلاح المتعبد، ج ۲، ص: ۷۷۴

^۹. التوحید (للسدوق)، ص: ۲۶۱

فرمایند: « يَا عَلِيُّ أَنْتَ صَاحِبِي عَلَى الْحَوْضِ غَدًا وَ أَنْتَ صَاحِبِي فِي الْمَقَامِ الْمَحْمُودِ وَ أَنْتَ صَاحِبُ لِوَائِي فِي الْآخِرَةِ كَمَا أَنْتَ صَاحِبُ لِوَائِي فِي الدُّنْيَا »^{۱۰}

اهل بیت پیامبر علیهم السلام نیز این مقام را دارا هستند. در زیارت جامعه کبیره خطاب به ایشان می گوئیم: وَ لَكُمْ الْمَوَدَّةُ الْوَاجِبَةُ وَ الدَّرَجَاتُ الرَّفِيعَةُ وَ الْمَقَامُ الْمَحْمُودُ عِنْدَ اللَّهِ تَعَالَى وَ الْمَكَانُ الْمَعْلُومُ وَ الْجَاهُ الْعَظِيمُ وَ الشَّانُ الرَّفِيعُ وَ الشَّفَاعَةُ الْمَقْبُولَةُ

از روایات برداشت می شود که مقام محمود، جایگاهی در بهشت است و شفاعت در آنجا صورت می گیرد. پس مقام محمود همان مقام شفاعت است. مصنف کتاب احتجاج یعنی مرحوم طبرسی در تفسیر جوامع الجامع از مصنفات خود می فرماید: «مقام محمود عبارت از مقام شفاعت است و آن مقامی است که انبیاء و پیغمبران و سایر خلائق از اولین و آخرین در آن مکان حاضر گردند در آن روز لواء حمد و شفاعت از حضرت ربّ العزت باو عنایت گردد و هر چه نبی صلی الله علیه وآله سؤال از حضرت قادر متعال نماید یا شفاعت خطیئت امت فرماید، بی شبهه و یقین حضرت ارحم الراحمین شفاعت آن سید المرسلین در حق جمیع مخلوقین قبول نماید.»^{۱۱}

علامه طباطبایی همین برداشت را از آیه شریفه مربوطه دارند و می گویند: « این معنا در روایاتی بسیار زیاد، بطور مختصر و مفصل، هم بطرق متعدده ای از سنی، و شیعه، روایت شده است، و این روایات دلالت دارد بر اینکه مقام محمود در آیه شریفه همان مقام شفاعت است، البته منافات هم ندارد که غیر آن جناب، یعنی سایر انبیاء و غیر انبیاء هم بتوانند شفاعت کنند، چون ممکن است شفاعت آنان فرع شفاعت آن جناب باشد، و فتح باب شفاعت بدست آن جناب بشود.»^{۱۲}

با توجه به آنچه بیان شد معلوم می شود که معنای درخواست ما از رسیدن به مقام و جایگاه محمود این است که مورد شفاعت پیامبر و امیر المؤمنین و اهل بیت علیهم صلوات المصلین نائل شویم. از قرین شدن این تقاضا با خونخواهی امام حسین و همراهی با امام مهدی علیهما السلام می توان برداشت کرد که راه رسیدن به این مقام و مورد شفاعت واقع شدن، آن است که در راستای اهداف امام زمان در تحقق ظهور و رسیدن اهل بیت به حقشان تلاش کنیم.

^{۱۰}. الأمالی (للمدوق)، النص، ص: ۳۳۲

^{۱۱}. الاحتجاج-ترجمه مازندرانی، ج ۲، ص: ۳۶۲

^{۱۲}. ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱، ص: ۲۶۶

گفته شده که یا لثارات الحسین شعار یاران حضرت مهدی عجل الله فرجه است. از این رو شاخص اصلی مهدی یآوری الگوگیری از نهضت سرخ حسینی است. قلب یاران حضرت مهدی از محبت امام حسین پر شده است و خونخواهی خون خدا از چشمان به خون نشسته‌ی آنها از اشک نمایان است. اصحاب مهدی همانند یاران سید الشهداء تا پای جان در همراهی امام و حمایت از او ثابت قدم ایستاده و ذره‌ای تردید به دل راه نمی‌دهند و حاضرند در رکاب امامشان چندین بار کشته و زنده شوند.

اوصافی که برای حضرت حجت در این زیارت ذکر شده است، گویای آن است که وراثت خون خدا مدال افتخاری است تا بدست توانای حضرت، اهل بیت به حق مسلم‌شان که وراثت زمین باشد، برسند. سخنان حضرت و معرفی خود به عنوان بقیة الله و ذخیره الهی، ناطق بودن ایشان از جانب اهل بیت را فریاد می‌زند.

مهدی بودن امام عصر و بر هدایت بودن ایشان نشان از آن دارد که ثمره خون سید الشهداء در هدایت امت به بار نشست است و این فرزند نهم از نسل اوست که سکان کشتی هدایت بشر را به دست گرفته تا زحمات تمامی انبیاء و اولیاء در راستای هدایت را شکوفا کند.

نتیجه:

تاکید زیارت عاشورا و عزاداری برای امام حسین علیه السلام بر این است که با ابزار تولی و تبری از عاشورا پلی به راه مهدی بزنیم.

فهرست منابع:

۱. کامل الزیارات، ابن قولویه، جعفر بن محمد، دار المرتضویة، نجف اشرف، ۱۳۵۶ ش، چاپ: اول
۲. کمال الدین و تمام النعمة، صدوق (ابن بابویه، محمد بن علی)، اسلامیه، تهران، ۱۳۹۵ ق، چاپ: دوم
۳. الغیبة للحجة، طوسی، محمد بن الحسن، دار المعارف الإسلامیة، ایران؛ قم، ۱۴۱۱ ق، چاپ: اول

٤. البرهان فى تفسير القرآن، بحراني، سيد هاشم بن سليمان، مؤسسه بعثه، قم، ١٣٧٤ ش، چاپ: اول
٥. تأويل الآيات الظاهرة فى فضائل العتره الطاهره، استرآبادى، على، مؤسسه النشر الإسلامى، ايران؛ قم، ١٤٠٩ ق، چاپ: اول
٦. مصباح المتهدجد و سلاح المتعبد، طوسى، محمد بن الحسن، مؤسسه فقه الشيعة، بيروت، ١٤١١ ق، چاپ: اول
٧. التوحيد (للسدوق)، ابن بابويه، محمد بن على، جامعه مدرسين، ايران؛ قم، ١٣٩٨ ق، چاپ: اول
٨. الأمالى (للسدوق)، ابن بابويه، محمد بن على ناشر: كتابچى، تهران ١٣٧٦ ش، چاپ: ششم
٩. الاحتجاج طبرسى، احمد بن على ترجمه مازندرانى،
١٠. تفسير الميزان، علامه طباطبايى ترجمه